



ISSN:2588-7033



An Analysis of the Role and Actions of Ehsan Khan Kangarloo Nakhchivani in the Second Russo-Iranian War in the Caucasus

Mohammad Aziznejad ^{a*}, Fatemeh Jafarniya ^b

^a PhD student in Islamic Iranian History, Department of History, Faculty of Social Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

^b Assistant Professor, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran

KEYWORDS

Ehsan Khan Kangarloo, Nakhchivan, Qajar Dynasty, Russian Empire, Caucasus

Received: 14 October 2024;
Accepted: 19 August 2025

Article type: Research Paper
DOI: 10.22034/hsow.2025.2043102.1577

ABSTRACT

Ehsan Khan Kangarloo (d. 1262 AH /1846 CE) was a military leader from the local Kangarloo family in Nakhchivan. During the Second Russo-Iranian War, he served as colonel of the Kangarloo regiment and border commander of the Qarabagh region. Amid the conflict, he withdrew from the Qajar administration by surrendering the strategic fortress of Abbasabad to Russian forces and subsequently aligning with the Russian Empire, an action described in Qajar sources as a “great betrayal.” This study examines the circumstances and motivations behind this decision, addressing the question: Under what conditions and for what reasons did Ehsan Khan shift his allegiance to Russia at the height of the war? Drawing on unpublished manuscripts of the Kangarloo family correspondence and local histories, the research employs a descriptive–analytical approach. Findings indicate that, despite receiving titles and offices from the Qajar court, Ehsan Khan’s alignment with Russia reflected his perception of a shift in Russian policy toward elites in the Caucasus, promising the restoration of political and economic privileges to local families. Additionally, the unfavorable experience of his father, Kalb-‘Ali Khan, with the Qajar administration and the family’s gradual exclusion from hereditary positions contributed significantly to Ehsan Khan’s estrangement from the Iranian governance.

* Corresponding author.

E-mail address: Maziznejad63@gmail.com

©Author





تحلیل نقش و عملکرد احسان خان کنگرلو نخجوانی در جنگ دوم ایران و روسیه در قفقاز

محمد عزیز نژاد^{الف}، فاطمه جعفر نیا^ب

^{الف} دانش آموخته دکتری تاریخ ایران اسلامی، گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، Maziznejad63@gmail.com
^ب استادیار، گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، F.jafarniya@pnu.ac.ir

واژگان کلیدی	چکیده
احسان خان کنگرلو، نخجوان، قاجاریه، روسیه، قفقاز	احسان خان کنگرلو (متوفی ۱۲۶۲/ق ۱۸۴۶م)، از امرای خاندان محلی کنگرلو در نخجوان بود. وی در جریان جنگ دوم ایران و روسیه، منصب سرهنگی فوج کنگرلو و سرحداری نواحی قراباغ را در اختیار داشت. با این حال، در میانه درگیری‌ها، با تسلیم قلعه راهبردی عباس‌آباد نخجوان به روس‌ها، از دولت قاجاریه فاصله گرفت و به همکاری با روسیه روی آورد؛ اقدامی که در منابع قاجاری از آن به‌عنوان «خیانتی بزرگ» یاد شده است. پژوهش حاضر با هدف واکاوی زمینه‌ها و انگیزه‌های این تصمیم سیاسی، می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که احسان خان تحت چه شرایط و با چه انگیزه‌هایی در اوج نبرد، موضع خود را به سود روسیه تغییر داد؟ این نوشتار اغلب از نسخه‌های خطی مکاتبات خاندان کنگرلو، منابع تاریخی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی انجام شده است. یافته‌ها مبین آن است که گرایش احسان خان به روسیه، با وجود بهره‌مندی از القاب و مناصب حکومتی از سوی قاجاریه، برخاسته از درک او از تغییر سیاست روس‌ها در قبال نخبگان قفقاز بود. این سیاست، با وعده احیای امتیازات سیاسی و اقتصادی خاندان‌های محلی همراه بود. در مقابل، تجربه منفی پدرش، کلبعلی خان، در همکاری با قاجارها و حذف تدریجی این خاندان از مناصب موروثی، نقش مؤثری در دلسردی احسان خان از ساختار حکومتی ایران ایفا کرد.

مقدمه

امرای خاندان کنگرلو از جمله نخبگان سیاسی برجسته و تأثیرگذار در اداره و حکمرانی ولایت نخجوان محسوب می‌شوند که از دوران صفویه تا دوره قاجاریه نقش کلیدی و تعیین‌کننده‌ای در تحولات سیاسی و اجتماعی منطقه ایفا کرده‌اند. اداره و حفظ ثبات این قلمرو مهم تا حد زیادی وابسته به جایگاه و عملکرد سیاسی این خاندان بوده است. خاندان کنگرلو طی دوره حیات سیاسی خود با مجموعه‌ای از تحولات گوناگون مواجه گردیده که هر یک به نحوی بر سرنوشت این خاندان و منطقه پیرامون آن تأثیرگذار بوده‌اند. از جمله مهم‌ترین و تأثیرگذارترین این رویدادها، جنگ‌های ایران و روسیه در حوزه قفقاز است؛ رخدادی که نه تنها زمینه رقابت دو قدرت بزرگ منطقه یعنی ایران و روسیه را فراهم ساخت، حوزه نفوذ و قلمرو حکمرانی خاندان کنگرلو را نیز به صحنه‌ای از نزاع و ستیز بدل نمود.

نخبگان سیاسی محلی این خاندان، بسته به منافع و اهداف سیاسی و اجتماعی خود، واکنش‌ها و رفتارهای متفاوت و گاه متضادی در برابر این تحولات از خود نشان داده‌اند. بررسی و تحلیل رویدادهای جنگ دوم ایران و روسیه در منطقه نخجوان مستلزم

شناخت دقیق و عمیق نقش و روابط متقابل این نخبگان محلی با دولت‌های ایران و روسیه است. پژوهش حاضر با تمرکز بر جایگاه و عملکرد نخبگان محلی قفقاز، که در متون تاریخی با عناوینی چون خان، سلطان، بیگ و آقا شناخته شده‌اند، قصد دارد تأثیرگذاری این بازیگران محلی را بر روند و نتایج جنگ‌های مذکور واکاوی نماید. این افراد، با وجود برخورداری از پایگاه اجتماعی و نفوذ در ساختارهای سنتی، در بزرگراه‌های حساس تاریخی، با تغییر گرایش‌های سیاسی خود، نقش مهم و تأثیرگذاری در شکل‌دهی به سرنوشت نبردها و تحولات سیاسی ایفا کرده‌اند.

یکی از این شخصیت‌ها، احسان‌خان کنگرلو نخجوانی است که با وجود دریافت القاب و مناصب حکومتی از دربار قاجار، در اوج جنگ دوم ایران و روسیه، با اتخاذ رویکردی متفاوت، به‌طور مخفیانه با روس‌ها همکاری کرد و قلعه استراتژیک عباس‌آباد نخجوان را به نیروهای روس تسلیم نمود. این اقدام، به منزله نقطه عطفی در روند اشغال مناطق نخجوان و تبریز توسط روس‌ها محسوب شده و در منابع تاریخی قاجاری به عنوان «خیانت بزرگ» یاد شده است.

با توجه به اهمیت منطقه نخجوان و نقش برجسته خاندان کنگرلو در تحولات سیاسی قفقاز، تحلیل دقیق و همه‌جانبه عملکرد نخبگان محلی در جنگ‌های ایران و روس، به‌ویژه جنگ دوم، از اهمیت بالایی برخوردار است. تاکنون مطالعات اندکی به بررسی نقش این بازیگران محلی پرداخته‌اند و بیشتر تحقیقات به سیاست‌های کلی دولت‌های قاجاریه و روس محدود شده است. این پژوهش در پی پر کردن این خلأ و شناخت دقیق‌تر انگیزه‌ها، سیاست‌ها و تحولات محلی در خلال جنگ‌های ایران و روس است. واکاوی رفتار سیاسی احسان‌خان کنگرلو به عنوان یکی از بازیگران کلیدی این دوره، می‌تواند در فهم بهتر روندهای پیچیده سیاسی و اجتماعی قفقاز و تعاملات محلی - فرامنطقه‌ای مؤثر باشد و به غنای مطالعات تاریخی این حوزه بیفزاید.

پیشینه پژوهش

روایت‌های متداول تاریخ‌نگاران دوره قاجار درباره نقش احسان‌خان کنگرلو در جنگ دوم ایران و روس، اغلب بسیار مختصر، سطحی و دارای گرایش‌های جانبدارانه است. این منابع، پاسخ روشنی درباره چرایی تغییر رفتار سیاسی احسان‌خان و تمایل وی به همکاری با روس‌ها ارائه نمی‌دهند. پژوهش‌های جدید محققان آذربایجانی که عمدتاً در حوزه تاریخ نخجوان و تحت عنوان کلی «نخجوان خانلیگی» منتشر شده‌اند، از جمله آثار فؤاد علی‌یف و میرعبدالله علی‌یف (۱۹۹۶)، زحمت شاهویردی‌یف (۲۰۰۸)، الهامی علی‌یف (۲۰۰۹)، موسی قلی‌یف (۲۰۱۳) و صاحبه بوداق‌اوا (۲۰۱۴)، به طور مستقیم به موضوع اصلی این پژوهش نپرداخته‌اند. تنها موسی قلی‌یف در مقاله‌ای با عنوان «نکاتی در مورد تاریخ خانات نخجوان در روابط سرلشکر احسان‌خان نخجوانسکی (کنگرلو) و ژنرال فیلدمارشال ایوان پاسکویچ» (۲۰۱۰) بخشی از موضوع را از منظر منابع روسی بررسی کرده است. وی علت گرایش احسان‌خان به روسیه را تغییر سیاست روس‌ها در دوره فرماندهی ژنرال پاسکویچ، مبنی بر جذب خوانین مسلمان منطقه با وعده تضمین منافع سیاسی و فردی، دانسته است. با این حال، اتکای صرف به منابع روسی و عدم بهره‌گیری گسترده از اسناد و منابع قاجاری، از نقاط ضعف قابل توجه این نوع مطالعات محسوب می‌شود.

یکی از محدود پژوهش‌های مرتبط که به شکلی تفکیک‌شده به یکی از خوانین خاندان کنگرلو پرداخته است، مقاله‌ای تحت عنوان «نقش و جایگاه کلبعلی‌خان کنگرلو در جنگ‌های دوره اول ایران و روس در قفقاز» از فاطمه جعفرنیا و محمد عزیزنژاد (۱۴۰۳) است. این مقاله، با اتکاء بر منابع تاریخی دوره قاجار، نقش برجسته کلبعلی‌خان، پدر احسان‌خان، را در تحولات سیاسی

و نظامی منطقه نخجوان در دوره فتحعلی شاه قاجار، به‌ویژه در جنگ‌های دوره اول ایران و روس، تحلیل کرده است. این پژوهش تصویری نسبتاً دقیق از جایگاه کلبعلی خان و تعاملات او با دربار مرکزی ارائه کرده، اما تمرکز آن صرفاً بر دوره اول جنگ‌ها و شخص کلبعلی خان بوده و به دوره دوم جنگ‌های ایران و روس و نقش سایر اعضای خاندان کنگرلو، به ویژه احسان خان، نپرداخته است. همچنین پیامدهای کنش‌های سیاسی خاندان کنگرلو در دوره دوم جنگ‌ها در این اثر بررسی نشده است.

با توجه به این تفاوت‌های موضوعی و محتوایی، لازم است تأکید شود که پژوهش حاضر، علی‌رغم برخی اشتراکات تاریخی طبیعی، کاملاً مستقل و متفاوت از مقاله مذکور است و در پی بررسی دقیق‌تر و تحلیلی‌تر نقش احسان خان کنگرلو در جنگ دوم ایران و روس می‌باشد. این مقاله به‌طور خاص به علل و انگیزه‌های اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی تصمیمات احسان خان، به‌ویژه تسلیم قلعه استراتژیک عباس‌آباد و تمایل او به همکاری با روس‌ها می‌پردازد و از این حیث، شکاف موجود در مطالعات پیشین را پر می‌کند.

بنابراین، می‌توان اذعان داشت که تاکنون پژوهشی مستقل و تخصصی درباره حیات، نقش و عملکرد احسان خان کنگرلو نخجوانی در جریان جنگ‌های دور دوم ایران و روس انجام نشده و این پژوهش، در جهت رفع این خلأ علمی و افزودن به دانش تاریخی در این حوزه به رشته تحریر درآمده است.

۱. خاستگاه و جایگاه سیاسی خاندان کنگرلو نخجوانی در دوره قاجار

خاندان کنگرلو که از دوره صفویه به عنوان حاکمان محلی ولایت نخجوان شناخته می‌شدند، به واسطه خدمات نظامی و وفاداری‌شان به دربار صفوی، توسط شاهان این سلسله به عنوان تیول‌داران رسمی منطقه منصوب شدند (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۷۵؛ ترکمان، ۱۳۸۳: ۶۵۶/۲؛ تاریخ قزلباشان، ۱۳۶۱: ۴۵-۴۸). با فروپاشی حکومت صفوی و آغاز دوره بی‌ثباتی سیاسی در ایران، امرای نظامی ایلات ترکمان در قفقاز و آذربایجان با اتکاء به قدرت نظامی و نفوذ خود، اقدام به ایجاد حکومت‌های نیمه‌مستقل نمودند (عزیزنژاد و دهقانی، ۱۳۹۴-۱۳۹۵: ۱۸۸). خاندان کنگرلو نیز در همین راستا، امارتی نسبتاً مستقل در نخجوان برپا ساختند.

با آغاز دوره قاجار، کلبعلی خان، پدر احسان خان، با حذف رقبای محلی و کاهش نفوذ سایر حکام، حکومتی مقتدر در نخجوان پایه‌گذاری کرد (جعفرنیا و عزیزنژاد، ۱۴۰۱: ۸). اما همکاری وی با نیروهای روس و خیانت به حکومت مرکزی، موجب سقوط و برکناری‌اش توسط آقامحمدخان قاجار شد (جعفرنیا و عزیزنژاد، ۱۴۰۳: ۸۸؛ Shopen, 1852: 164-165). با این حال، در جریان جنگ اول ایران و روس، او با اعلام مجدد وفاداری به دربار قاجار و تسلیم قلعه ایروان به فتحعلی‌شاه، توانست بخشی از جایگاه و اعتبار خود را بازیابد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۵۱-۵۳؛ دنبلی، ۱۳۸۹: ۱۹۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۲۱۱/۱؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۱۳۰/۱). با وجود این، سابقه متمایل بودن به روس‌ها، باعث بی‌اعتمادی مقامات قاجار نسبت به او و خانواده‌اش گردید (جعفرنیا و عزیزنژاد، ۱۴۰۳: ۱۰۳).

این بی‌اعتمادی بر موقعیت فرزندان کلبعلی خان^۱ در دربار قاجار تأثیری منفی گذاشت؛ برخی از آنان نیز با رفتارهای خود موجب تشدید این بی‌اعتمادی شدند. برای نمونه، در سال ۱۲۲۲ق/۱۸۰۷م، دولت قاجار پس از اطلاع از همکاری مجدد

۱. سه فرزند ذکور کلبعلی خان به ترتیب سن عبارت از: نظرعلی خان، احسان خان و شیخعلی بیگ بودند (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۵۷؛ دنبلی، ۱۳۸۹: ۳۴۷؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۲۱۳/۱).

کلبعلی خان و پسرش شیخعلی بیگ با روس‌ها، آنها را بازداشت و از حکمرانی عزل کرد (AKAK, 1869: 3/599-600 (doc.1025)). شیخعلی بیگ به قراباغ گریخت و به روسیه پناه برد و با ارائه اطلاعات نظامی به نیروهای روس، در اشغال موقت نخجوان نقش کلیدی ایفا کرد (۱۲۲۳ق/۱۸۰۸م) (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۶۲؛ AKAK, 1869: 3/267-268 (doc.476)). او حتی در نامه‌ای به یکی از سرداران روس، از بی‌توجهی روس‌ها به خدماتش ابراز نارضایتی کرده است (فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان درباره تاریخ ایران، ۱۳۸۴: ۲/۲۴۰-۲۴۱). در واکنش به این اقدامات، عباس میرزا از روی احتیاط با احضار نظرعلی خان کنگرلو فرزند ارشد کلبعلی خان، حکمرانی نخجوان را از او سلب کرد (دنبلی، ۱۳۸۹: ۳۹۹-۴۰۰؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۲۴۱/۱).

در پی این وقایع، دولت قاجار برای مهار و کنترل خاندان کنگرلو، سیاست اختلاف‌افکنی و تقسیم قدرت را در میان اعضای این خاندان به کار بست و حکمرانی نخجوان و رهبری ایل کنگرلو را به صورت منقطع و متناوب به افراد مختلف واگذار می‌کرد. این اختلافات و رقابت‌های درون‌خاندانی، سابقه‌ای دیرینه داشت؛ برای نمونه، در سال ۱۲۲۱ق/۱۸۰۶م، نزاع میان عموزادگان کلبعلی خان و عباسقلی خان، موجب اختلال در امور داخلی نخجوان شد (سپهر، ۱۳۵۳: ۱/۱۵۴؛ اعتضادالسلطنه، ۱۳۷۰: ۳۲۹؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۹/۷۵۷۰). این نزاع‌ها در نسل‌های بعد نیز ادامه یافت. حکومت مرکزی به کریم خان کنگرلو، فرزند عباسقلی خان، که از اعتماد دولت برخوردار بود، فرصت‌های بیشتری داد و معمولاً حکمرانی نخجوان را به وی محول می‌کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۸۶-۹۲، ۱۱۹). کریم خان با تبعیت کامل از دستورات حکومت مرکزی، حتی از نایب‌السلطنه هدیه‌ای ارزشمند دریافت کرد (همان: ۹۱). با این حال، به دلیل وفاداری‌اش به حکومت قاجار، روس‌ها مطابق فصل دوازدهم قرارداد ترکمانچای، املاک و امتیازات او را مصادره کردند (سپهر، ۱۳۵۳: ۲/۲-۶).

احسان خان، دومین فرزند کلبعلی خان، در سال ۱۲۳۷ق/۱۸۲۱م به دلیل شجاعت و خدمات برجسته‌اش به حکومت قاجاریه، به رتبه سرهنگی سربازان فوج نخجوان ارتقاء یافت (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۷۳-۷۴). در اسناد حکومتی قاجار، اغلب از او با عنوان «نتیجه‌الخواین العظام احسان خان کنگرلو غلام پیشخدمت سرکار» یاد شده است (همان: ۷۳-۷۴). علاوه بر این، در سال ۱۲۳۸ق/۱۸۲۲م، فتحعلی شاه به پاس خدماتش در جنگ علیه عثمانی، لقب «خانی» و عنوان «عالیجاهی» را به وی اعطا کرد (همان). با وجود این ارتقاءها، احسان خان هرگز به مقام حکمرانی نخجوان یا ریاست ایل کنگرلو منصوب نشد؛ که احتمالاً ناشی از سابقه سیاسی مبهم خانواده‌اش بود.

۲. احسان خان کنگرلو و نقش او در سرحداری قراباغ و رود ارس در برابر تجاوزات روسیه

پس از پایان نخستین جنگ ایران و روسیه و انعقاد معاهده گلستان در سال ۱۲۲۸ق/۱۸۱۳م، به جز ایروان و نخجوان، سایر مناطق واقع در آن سوی رود ارس از قلمرو دولت قاجار جدا شد. با این دگرگونی در مرزهای سیاسی قفقاز، ایروان و نخجوان مستقیماً با مرزهای حکومت توسعه‌طلب روسیه هم‌جوار شدند (درویل، ۱۳۴۸: ۳۴؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۹/۷۶۴۲-۷۶۴۳). هم‌مرزی نخجوان با قراباغ اشغال‌شده توسط روس‌ها، جایگاه سوق‌الجیشی این منطقه را برای دولت قاجار برجسته ساخت. افزون بر این، مرزهای مشترک در منطقه قراباغ و نخجوان به‌درستی تحدید نشده بود؛ موضوعی که عباس میرزا در نامه‌ای به ایلچی روس در سال ۱۲۴۱ق/۱۸۲۵م بدان تصریح کرد: «چون تشخیص سرحدات مملکتین محروسین بعد از انعقاد مصالحه مبارکه الی حال طول

کشیده و بعضی گفتگو و تجاوز واقع شده بود» (رونوشت نامه‌های عباس میرزا ولیعهد، نسخه خطی شماره ۱۳۶۵۷: ۱).

طبق مفاد عهدنامه گلستان تعیین حدود مرزی بر مبنای اصطلاح حقوقی «اوپریزدیم اسطاطوسکو»^۲ صورت گرفت که به دلیل ابهام در معنا و ترجمه، موجب برداشت‌های متفاوت از سوی طرفین و در نتیجه زمینه‌ساز توسعه‌طلبی مقامات مرزی روسیه شد (رونوشت نامه‌های عباس میرزا ولیعهد، نسخه خطی شماره ۱۳۶۵۷: ۳؛ اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۵۶۸-۵۸۱، ۶۰۱). اختلاف بر سر ناحیه مقری^۳ و قپان^۴ از توابع قراباغ نیز بر همین مبنا پدید آمد (اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۶۰۴). یرمولوف، فرمانده روسی قفقاز، در گزارشی در سال ۱۲۳۵ ق/ ۱۸۲۰ م به وزیر خارجه‌اش نوشت: «برای من بعضی از نقاط مرزی معلوم است که ایرانیان می‌خواهند آنها را در دست خود نگه دارند و با ارائه برداشت نادرست از ترجمه غیر واضح عهدنامه، آماده ایجاد مشکلات زیادی می‌باشند» (همان: ۶۰۱). وی با استناد به قپانک‌چای به عنوان مرز مندرج در عهدنامه، خواستار تصرف نیمی از ناحیه مقری شد (همان: ۶۰۴). جالب آن‌که روس‌ها پس از اشغال منطقه گوگچه در ایروان، برای تثبیت آن منطقه، پیشنهاد دادند که مقری و قپان، از توابع قراباغ، به ایران واگذار گردد؛ در حالی که بر اساس عهدنامه گلستان، این نواحی بخشی از خاک قاجار به شمار می‌آمد (اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۶۰۱-۶۰۳؛ مستوفی انصاری، ۱۳۴۹: ۱۰).

علاوه بر این، یورش‌ها و دستبردهای مکرر مأموران مرزی و عشایر به دام‌های یکدیگر و عبورهای بدون مجوز ایلات، سبب تشدید تنش‌های مرزی میان ایران و روسیه در ناحیه رود ارس و قراباغ شد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۲۱۶-۲۱۵؛ اسنادی از روابط ایران با روسیه، ۱۳۸۷: ۶۰۲؛ جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۲۲). در نتیجه تحولات سیاسی-جغرافیایی ناشی از جنگ نخست قفقاز و عهدنامه گلستان، محافظت از مرزهای نخجوان در امتداد رود ارس و قراباغ اهمیتی دوچندان یافت. از همین رو، عباس میرزا برای صیانت از این مرزها، منصب سرحداری را بنیان نهاد. در واقع، کنترل مرزهای ایروان، قراباغ و طالش یکی از دغدغه‌های اصلی وی بود (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۲۴).

در این راستا، احسان‌خان کنگرلو به سبب آشنایی کامل با وضعیت منطقه، به عنوان سرحددار نواحی قراباغ منصوب شد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۰۳، ۱۱۴-۱۱۵). عباس میرزا در توجیه این انتخاب نوشت: «چون آن عالیجاه خود از کار مقری و محالات قراباغ استحضار تمام دارد» (همان: ۱۰۶). همچنین حسن‌خان کرایلی نیز برای مقابله با دست‌اندازی‌های روس‌ها به دزمار^۵، قپان و برگشاط^۶، محافظ مقری انتخاب شد (همان، ۱۰۸). قلعه کوردشت^۷ نیز به منظور تقویت مرزبانی در جنوب رود

۲. اصل وضع موجود کنونی.

۳. مقری در نظام دیوانی حکومت صفوی از توابع ولایت قراداغ بود که در آنسوی روس ارس قرار داشت. اما پس از فروپاشی صفوی، مقری تابع نخجوان گردید که بعدها حاکم قراباغ آن را از نخجوان خارج کرد (جوانشیر قراباغی، ۱۳۸۴: ۹۰؛ باکیخانوف، ۱۳۸۳: ۱۸۳؛ قراباغی، ۱۳۹۰: ۱۵۸-۱۵۹). در زمان جنگ ایران و روس، مقری جزئی از نواحی قراباغ بود. روسیه در جریان مذاکرات عهدنامه صلح گلستان، در قبال اخذ امتیاز حق تام مالکیت دریای خزر، به منظور ابراز حسن احترام و خیرخواهی امپراتوری روسیه نسبت به مردم و شاه قاجار و درخواست نماینده ایران، قصبه مقری از محال قراباغ را به حاکمیت ایران واگذار کرد (اسنادی از روابط ایران با روسیه، ۱۳۸۷: ۵۷۵-۵۷۶).

۴. قپان، در نظام اداری و دیوانی حکومت صفوی از ایالت آذربایجان بود و حاکم الکای قپانات، از امرای تابع بیگلربیگی ایالت آذربایجان قرار داشتند (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۱۰۸). حکام خاندان جوانشیر، محالات قپان و زنگه‌زور را که به تبریز تعلق داشت جدا و به محدوده قلمرو حکمرانی قراباغ ضمیمه کردند (باکیخانوف، ۱۳۸۳: ۱۸۳).

۵. دزمار، ولایتی در شمال تبریز و از توابع قراداغ است که پنجاه پاره قریه دارد. دوزال، گردشت، قولان، هراز [هراس] و جوروانق [خوروانق] از معظمتات ولایت دزمار است (مستوفی قزوینی، [بی‌تا]: ۱۴۷؛ کاتب چلبی، ۱۳۹۱: ۲۱۲).

ارس و دفاع از ناحیه مقری ساخته شد (جهانگیرمیرزا، ۱۳۸۴: ۲۵). گفتنی است پیش‌تر اداره نواحی مقری، قپان و قراباغ به ابوالفتح‌خان جوانشیر قراباغی^۶ واگذار شده بود (اسنادی از روابط ایران و روسیه، ۱۳۸۷: ۶۰۴). از این‌رو، مهم‌ترین مأموریت احسان‌خان، حفظ مرزهای قراباغ، به‌ویژه ناحیه مقری و متعلقات آن بود.

عباس‌میرزا همچنین با هدف مقابله اضطراری در مواقع بحران، اقدام به تأسیس سربازخانه‌هایی با سربازگیری از اهالی محال آزادجیران^۹ نخجوان نمود و احسان‌خان را به سمت سرهنگ افواج سربازان نخجوانی منصوب کرد. وظایف انتظامی ناحیه نیز به میرزا محمدحسین، مأمور دفتر لشکرنویس و ناظم نخجوان، واگذار شد؛ و احسان‌خان موظف گردید از دستورات وی تبعیت کند و انضباط سربازان را حفظ نماید (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۰۹). تأمین مواجب این سربازان نیز از محل مالیات‌های ولایت نخجوان برعهده احسان‌خان بود. اما او پس از مدتی از اجرای این وظیفه شانه خالی کرد، چنانکه عباس‌میرزا در فرمانی در سال ۱۲۴۰/ق ۱۸۲۴م با انتقاد از وی خواست تا وظایف خود را مطابق فرمان پیشین انجام دهد و بقایای مالی را جمع‌آوری و تحویل دهد (همان: ۱۰۴-۱۰۵).

در همین راستا، احسان‌خان مأمور بود در صورت نیاز، با تکیه بر نیروهای نخجوانی، به یاری مرزداران نواحی مقری بشتابد. این موضوع در فرامین متعدد نایب‌السلطنه مورد تأکید قرار گرفته است. مثلاً در فرمانی به یحیی‌بیگ یوزباشی، نگهبان قلعه نظاره اردوباد، آمده است: «هر وقت از اوقات که عالیجاه حسن‌خان ضابط دزمار و قپان و برکشاط امدادی بخواهد... امداد بکند و تعطیل و تعلل جایز ندارد» (همان: ۱۰۸). در همین راستا، احسان‌خان موظف شد پنجاه تن نیروی کمکی برای همکاری با حسن‌خان کرایلی به مقری گسیل دارد (همان: ۱۰۵-۱۰۶).

افزون بر اهمیت نظامی، نواحی جنگلی مقری برای تهیه چوب قنداق تفنگ در طرح نظام جدید عباس‌میرزا نیز اهمیت زیادی داشت. در فرمانی از وی به احسان‌خان آمده است: «چون این اوقات چوب قنداقی برای سرکار اشرف والا ضرور است...» و دستور داد تا هزار عدد چوب گردو تهیه، انبار و برای انتقال به تبریز آماده شود (همان: ۱۰۶-۱۰۷).

۶. الکای برگشاط، از توابع ایالت قراباغ در دوره صفوی بود و صحاری مسطح و علفزارهای مروح دارد (ترکمان، ۱۳۸۳: ۷۲۸/۲). حاکم الکای برگشاط با لقب سلطان، جزو امرای تابع بیگلربیگی الکای قراباغ محسوب می‌شد (نصیری اردوبادی، ۱۳۷۱: ۸۰).
۷. کوردشت، از معظلمات ولایت دزمار قرا داغ است (مستوفی قزوینی، [بی‌تا]: ۱۴۷)، که درکنار رود ارس برجانب جنوبی واقع شده و دارای قلعه است (ترکمان، ۱۳۸۳: ۷۵۶/۲).

۸. ابوالفتح‌خان جوانشیر، فرزند ابراهیم‌خلیل خان حاکم قراباغ بود. خان قراباغ، برای تضمین وفاداری اش به حکومت قاجار، او را به‌نشانه گرو نزد فتحعلی-شاه به تهران فرستاد. اما حکومت قاجار با اعطای لقب خانی به ابوالفتح‌خان، قصد داشت او را به‌جانشینی خان پیر قراباغ تعیین کند. لیکن این طرح فتحعلی‌شاه به علت سیاست روس‌گرایی خان قراباغ و نامزدی محمدحسن‌خان دیگر فرزندش با ضمانت روس‌ها به حکمرانی قراباغ شکست خورد. درمقابل، حکومت قاجار ابوالفتح‌خان را برای رصد تحولات داخلی قراباغ به حکمرانی مقری و متصرفات آن از محال قراباغ تعیین کرد (جعفرنیا و عزیزنژاد، ۱۴۰۰: ۱۱۸-۱۲۲). حتی در مقطعی مهدیقلی خان جوانشیر حاکم قراباغ که فاقد فرزند بود، از ژنرال یرملوف روسی تقاضا نمود که اجازه ورود ابوالفتح‌خان به قراباغ داده شود تا برادر خود را به‌عنوان وارث حکومت قراباغ قرار دهد. درعهدنامه صلح گلستان نیز امکان بازگشت اهالی سابق به‌یورت و املاک‌شان فراهم شده بود. خود ابوالفتح‌خان نیز در این خصوص درخواست‌هایی از ژنرال روسی کرد. اما یرملوف به ابوالفتح‌خان به‌سبب طرفداری اش از حکومت قاجار اعتمادی نداشت، درخواست آنان را رد کرد. حتی به‌خود مهدیقلی‌خان به‌علت ارتباط پیوسته‌اش با عباس‌میرزا و اینکه خواهرش همسر شاه ایران بوده و این رابطه را همواره از دولت روسیه مخفی نگه می‌داشت، بدبین بود (اسنادی از روابط ایران با روسیه، ۱۳۸۷: ۶۰۴).

۹. آزادجیران از نواحی ولایت نخجوان بود و یک قصبه به نام اردوباد و سی و شش پارچه روستا داشت. مشهورترین و پرجمعیت‌ترین روستاهای آن عبارت از مقری، آکلیس و وُئند بودند (Naxçıvan Sancağının müfəssəl dəftəri, 2001: 113-136).

همچنین، حفاظت از ایلات قرا داغ و قصبه کوردشت نیز در زمره مأموریت‌های محوله به احسان خان بود. طبق گزارشی در سال ۱۲۴۲/ق ۱۸۲۶م، تجمع قوای روسی در قشلاق شریفان و اصلاندوز برای تهاجم احتمالی، موجب شد تا وی مأمور اعزام نیرو به کوردشت گردد (همان: ۲۱۵-۲۱۶). در اسناد تاریخی به همکاری احسان خان با حاکم ایروان در حراست از مرزهای ایالت ایروان نیز اشاره شده است (همان).

با این حال، برخی گزارش‌های تاریخی حاکی از ضعف در مدیریت احسان خان به سبب عدم کنترل بر رفتار نیروهای تحت امرش وجود دارد. به طور مثال، بهرام میرزا در فرمانی از تعدی سربازان به خانه ارامنه انتقاد کرده است (همان: ۲۱۰). عباس میرزا نیز در فرمانی خواستار جلوگیری از تصرف املاک ورثه رستم خان بهادرلو توسط سربازان شد (همان: ۱۱۳-۱۱۵). همچنین، حل و فصل منازعات مرزی از جمله سرقت احشام نیز برعهده او گذاشته شده بود. در یکی از این موارد، عباس میرزا فرمانی برای بازگرداندن اسبان ربوده شده از اهالی قرا باغ صادر کرد (فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان، ۱۳۸۱: ۱۳۵-۱۳۶؛ کنگرلو نخجوانی، [بی تا]: ۱۰۱-۱۰۳).

۳. همکاری با روس‌ها و تسلیم قلعه عباس آباد در جنگ دوم ایران و روس

عدم تحدید مرزهای دو کشور طبق عهدنامه گلستان زمینه ساز جنگ دوم ایران و روس شد. شاید هم روس‌ها عامدانه با مبهم گذاشتن تحدید مرزهای دو کشور، برای اشغال ایروان و نخجوان برنامه آتی داشتند. زیرا از نگاه آنان سرحد طبیعی دو کشور ایران و روسیه بایستی رودهای ارس و آرپاچای تعیین می شد و حتی در مکاتبات سیاسی شان با مقامات قاجار از گفتن این مسئله ابائی نداشتند (دروویل، ۱۳۴۸: ۳۲؛ گاردان، ۱۳۶۲: ۱۱۲؛ مهندس باشی تبریزی، ۱۳۹۰: ۴۸؛ قرا باغی، ۱۳۹۰: ۲۲۳). با اشغال تدریجی نواحی مرزی ایروان توسط روس‌ها و غفلت نماینده سیاسی ایران با امضای معاوضه ناحیه گوگچه با نواحی قپان و مقری از توابع قرا باغ با روسیه، جنگ بین ایران و روس در سال ۱۲۴۱/ق ۱۸۲۵م. اجتناب ناپذیر شد. چون مناطق مورد مذاکره نماینده ایران با روس‌ها در تفلیس، تماماً جزئی از خاک ایران بود و روس‌ها هیچ حقی نداشتند (Monteith, 1856: 120-12).

با این وقایع مرزی، جنگ دوم ایران و روس در سال ۱۲۴۱/ق ۱۸۲۵م شروع شد. گفتنی است که احسان خان کنگرلو با فوج سربازان نخجوانی در زمان بازپس گیری ایالت قرا باغ و قلعه شوشا در اردوی عباس میرزا حضور داشت (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۴۱). اما روند تحولات میدانی جنگ در سال ۱۲۴۳/ق ۱۸۲۷م، با انتصاب ژنرال پاسکویچ به فرماندهی قوای روسی به جای ژنرال یرملوف، به نفع روس‌ها تغییر یافت (جوانشیر قرا باغی، ۱۳۸۴: ۱۳۴؛ قرا باغی، ۱۳۹۰: ۲۵۵؛ مستوفی انصاری، ۱۳۴۹: ۴۹). پاسکویچ در راستای تحقق تعیین رودخانه ارس به عنوان مرز طبیعی دو کشور، در نظر داشت تا «حکماً و حتماً مملکت وسیع - الفضای ایروان و نخجوان و اردوباد و قلاخ متینه» را به اشغال درآورد (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۸۰).

قلعه عباس آباد، در کنار قلاخ ایروان و خوی جزو استحکامات مهم نظامی و مراکز دفاعی آذربایجان در جنگ‌های ایران و روسیه به شمار می رفت (دروویل، ۱۳۴۸: ۱۱). در واقع، قلعه عباس آباد نخجوان از استحکامات نظامی بود که عباس میرزا آن را براساس سبک معماری جدید اروپاییان در کنار رود ارس ساخته بود (دنبلی، ۱۳۸۹: ۲۱۱؛ جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۲۴؛ خاوری - شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۴۸/۲). پاسکویچ با ملاحظه اهمیت راهبردی قلعه عباس آباد نخجوان و استحکامات متین و معماری معاصر آن، با حربه وعده سعی در جلب اعتماد احسان خان کنگرلو و تسلیم مسالمت آمیز قلعه برآمد. او رویه‌ی خشن و ادبیات تحقیرآمیز ژنرال یرملوف علیه نخبگان محلی مسلمان را کنار گذاشت و حتی اعمال و رفتار این ژنرال روس را باعث فرار آنان از مدار حکومت روسیه می دانست (Baddeley, 1908: 159-160).

گفتنی است که یرملوف در مدت فرماندهی خود در قفقاز، با هدف برپایی نظم نوین روسی، در صدد حذف و ادغام نظام اداری سنتی منطقه در نظام جدید روسی برآمد. او برای تحقق این برنامه، انحلال حکومت‌های محلی قفقاز با نظام خان‌نشینی را در اولویت برنامه‌اش قرار داد و به تدریج دامنه نفوذ و اختیارات حکام محلی مسلمان تابع روسیه را محدود کرد (Xəzani, 2006: 220). به نوشته‌ی میرزا یوسف قزاقی، «به انتظام امورات ولایات پرداخته و تمامی کارها را به طرح و نظام جدید اختراعی خود انداخته و در پاره جاها قانون تازه حسب التقاضا ایجاد و بنا نمود» (۱۳۹۰: ۲۲۳). حتی در سال ۱۲۳۲ق/۱۸۱۷م. ژنرال مدداف را به فرماندهی نظامی نواحی قزاق، شیروان و شکی منصوب کرد (Xəzani, 2006: 220). مدداف مأمور و ناظر بر اعمال خان‌ها و نوسازی نظام اداری منطقه شد (رافی، ۱۳۹۵: ۱۵۱). مداخله‌های روزافزون ژنرال مدداف ارمنی‌تبار در امور داخلی قزاق و سیاست ژنرال یرملوف مبنی بر سرشماری جمعیتی از ارامنه قزاق همگی در تضاد با دایره استقلال و اقتدار حکمرانی سنتی خاندان جوانشیر بود (Bournoutian, 1998: 220-223). با تداوم این سیاست‌ها و به تبع آن تنگ‌تر شدن دایره اقتدار و استقلال خوانین محلی، حکام قزاق و شیروان از جمله مهدیق‌لی خان جوانشیر حاکم قزاق (۱۲۳۸ق/۱۸۲۲م) به طرف ایران فرار کردند (قزاقی، ۱۳۹۰: ۲۲۴؛ رافی، ۱۳۹۵: ۱۵۸؛ Xəzani, 2006: 220). لیکن پاسکویچ با اطلاع از سیاست‌های آن دو، در ابتدا ژنرال مدداف را به دلیل عملکرد ناصحیح‌اش در آزار خوانین سابق و سایر خودسری‌ها در سال ۱۲۴۳ق/۱۸۲۷م. عزل نمود و به جای او، فرماندهی ولایات قزاق، شیروان و شکی را به ژنرال آبخازوف واگذار کرد (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۷۹؛ اخفا علیزاده، ۱۴۰۱: ۸۵؛ قزاقی، ۱۳۹۰: ۲۵۵). ضمناً سیاست جلب نخبگان خوانین مسلمان بومی را با وعده تضمین احیای امتیازهای سیاسی و اقتصادی پیشین در حکومت روسیه را در پیش گرفت (جوانشیر قزاقی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). به علاوه، به شناسایی نخبگان سیاسی سرشناس در ولایات نخجوان و قزاق با هدف جذب آنان و استفاده از نفوذ و جایگاه‌شان در جلب اهالی به طرف روسیه رو آورد (Quliyev, 2010: 63). پاسکویچ با ملاحظه اینکه بخشی از اهالی قزاق به دلیل منافع مالی‌شان، حامی مهدیق‌لی خان اند، جذب او را از نظر سیاسی به مصلحت روسیه دانست. زیرا با جذب او، آنان نیز به تبعیت از رفتار او به طرف روسیه گرایش می‌یافتند (Leviatov, 2006: 16). او مأموریت جذب نخبگان سیاسی از قبیل مهدیق‌لی خان جوانشیر و احسان‌خان کنگرلو را به ژنرال آبخازوف محول کرد (Quliyev, 2010: 64; Leviatov, 2006: 16). ژنرال آبخازوف نیز این مأموریت مهم را به میرزا آدی‌گوزل بیگ از صاحب منصبان نظامی و مترجم مسلمان خود واگذار کرد. او نیز با استفاده از نفوذش، خان قزاق را برای همکاری با روس‌ها مجاب کرد (Leviatov, 2006: 17). در نتیجه، ژنرال آبخازوف با راهنمایی پاسکویچ در محلی به نام آغ‌کاروانسرا واقع در سرحد دو کشور ایران و روس، با مهدیق‌لی خان جوانشیر دیدار کرد و با خاطر جمع ساختن او و وعده بازگرداندن افرادش از ایران به قزاق و احیای امتیازهای سابق، خان قزاق را از ایران منصرف و مجدداً به روسیه بازگرداند (اخفا علیزاده، ۱۴۰۱: ۸۶؛ Mirzə Adgözl bəy, 2006: 98; Xəzani, 2006: 227). مهمترین پیامد این واقعه، کوچ سه‌هزار خانوار عشایری به تشویق مهدیق‌لی خان به قزاق بود. این عشایر قابلیت تهیه چهار هزار نفر از بهترین سواره نظام را برای ایران می‌توانستند فراهم کنند که این فرصت از ایرانیان سلب شد. در مقابل، از حضور این عشایر روس‌ها می‌توانستند در محافظت از مرزها استفاد کنند (Leviatov, 2006: 17).

پاسکویچ از این ایده خود در جلب سایر خوانین از جمله احسان‌خان نیز استفاده کرد. او با عنایت به نفوذ و جایگاه احسان‌خان در ولایت نخجوان و ایل کنگرلو و محافظت قلعه کلیدی عباس‌آباد، به فکر جلب او افتاد. پاسکویچ از اشغال نخجوان و قلعه

عباس آباد دو هدف را مدنظر داشت. اول تهدید تبریز پایتخت عباس میرزا و دوم می خواست با کنترل جاده تبریز به نخجوان، مانع ارسال هرگونه نیروی کمکی به ایروان گردد (Baddeley, 1908: 165). میرمهدی خزانی از تاریخ نگاران محلی قراباغ درباره همکاری احسان خان با روس ها روایت می کند که احسان خان با اطلاع از خبر سازش خان قراباغ با روس ها، با اعزام پیکری خبر تسلیم قلعه را به اطلاع ژنرال آبخازوف رساند (Xəzani, 2006: 227). اما میرزا آدی گوزل بیگ دیگر مورخ محلی قراباغ، از مأموریت خویش به امر ژنرال آبخازوف برای مذاکره پنهانی با احسان خان خبر می دهد. به نوشته او، «در آن زمان احسان خان نخجوانی که محافظ قلعه عباس آباد بود، با اطلاع از حضورم در آنجا قاصدی به سوی ام فرستاد و اعلام کرد که، به کنیاز اطلاع بدهید که به این سو حرکت نماید و همین که به اینجا برسید، قلعه را تسلیم خواهم کرد» (Mirzə Adıgözəl bəy, 2006: 98). آبخازوف که از خود چنین اختیاری نداشت، پاسکوویچ را در جریان امر گذاشت. او نیز به محض اطلاع از این خبر، تسخیر قلعه ایروان را به تأخیر انداخته و به سمت نخجوان حرکت کرد (Xəzani, 2006: 227). اما موسی قلی یف پژوهشگر آذربایجانی، نقش مؤثر میرزا آدی گوزل بیگ در تسلیم قلعه عباس آباد را رد می کند. وی با استناد به خبر روزنامه اخبار سنت-پترزبورگ- مبنی بر قدردانی عباسقلی آقا باکیخانوف در سال ۱۲۴۳ق/۱۸۲۷م، بابت انجام خدمات در تصرف قلعه عباس آباد و دریافت نشان رتبه نظامی کاپیتان- بر این باور است که باکیخانوف نقش مهمی در متقاعد کردن احسان خان به طرف روس ها ایفاء کرده است (Quliyev, 2010: 65). بدین گونه احسان خان در قلعه عباس آباد سوگند وفاداری خود را به حکومت روسیه ادا کرد و متن این سوگند را به زبان های فارسی و روسی تنظیم کردند. در واقع، او نیز به سیاق مهدیقلی خان جوانشیر، ایلات کنگرلوی که کریم خان حاکم نخجوان به طرف ایران منتقل کرده بود، دوباره به نخجوان تحت حاکمیت روس ها بازگرداند (Ibid: 66).

جهانگیر میرزای قاجار که خود حضور فعال در جنگ دوم ایران و روس داشت، درباره نحوه سقوط قلعه عباس آباد و خیانت احسان خان و همکاری او با روس ها روایت متفاوتی ارائه می دهد. او علت خیانت احسان خان را «ماده عداوت شخصی با یحیی خان تبریزی» قید کرده است. یحیی خان تبریزی محافظ قلعه نظاره و حاکم اردوباد بود و در اوایل به جهت قرب جوار اردوباد و نخجوان با احسان خان مراد داشته (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۸۰). حتی یک بار یحیی خان پیام سرسلامتی از بابت فوت مادر احسان خان به او ارسال کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی تا]: ۱۴۷). لیکن این روابط آنان «در مجلسی از مجالس یگانگی» به نزاع و عداوت کشید (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۸۰). از اسناد و فرامین حکومتی چنین برمی آید همواره بین آن دو رقابت و حسادت وجود داشته است؛ چون در مقوله ی حراست از سرحدات قراباغ و تأمین قوای کمکی به محافظ مقری، احسان خان تابع اوامر یحیی خان تبریزی بود (کنگرلو نخجوانی، [بی تا]: ۱۰۸).

البته احسان خان که از «وخامت عداوت» یحیی خان تبریزی به علت تقرب و نفوذ او نزد عباس میرزا بیمناک بود، به فکر چاره افتاد. از این رو، برای عزل علیمردان خان تبریزی از محافظت قلعه عباس آباد با یکی از افراد حرمخانه نایب السلطنه طرح دوستی ریخت تا با لابی گری و نفوذ او طرحش را عملی سازد. این ماجرا درست در زمانی اتفاق افتاد که قوای روسی در حال حرکت برای عملیات نظامی علیه ایران بود (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۸۰). احسان خان، محمدامین خان قاجار را برای حفظ و حراست قلعه عباس آباد با فوج کنگرلو به لابی خود پیشنهاد داد (همان: ۸۱). به نوشته جهانگیر میرزا، «احسان نیز در این اوقات که در آن سرحد بود اظهار سعی و تلاش و دولتخواهی بسیار می نمود و خود را به محل وثوق و اعتماد درآورده بود» (همان). بدین گونه به حکم امنای دولت، مأموریت حراست از قلعه عباس آباد با فوج سربازان کنگرلو به محمدامین خان قاجار و احسان خان سپرده شد (همان). اما در این گزارش جهانگیر میرزا برخی مسائل در هاله ای از ابهام قرار دارد. اینکه چرا احسان خان به جای یحیی خان تبریزی، خواستار عزل

علیمردان خان تبریزی از حفاظت قلعه عباس‌آباد شد. جهانگیر میرزا، دوستی علیمردان خان با یحیی خان و هم ولایتی بودن آن دو را مطرح می‌کند (همان، ۸۱).

به نظر می‌رسد احسان‌خان با شناختی که از روحیه علیمردان خان تبریزی داشت، امکان همکاری و نفوذ بر او را غیرممکن دانسته و از این جهت، ترجیح داد به جای او با فردی سست‌عنصر و کم‌جراتی چون محمدامین خان قاجار همکاری کند. مضافاً علیمردان خان کاردانی و روحیه دولت‌خواهی خود به حکومت قاجار را در جنگ ایروان در مقابل ژنرال گودویچ اثبات کرده بود. اما محمدامین خان قاجار به علت فرار از مقابل قوای روسیه در جنگ گنجه، نزد نایب‌السلطنه فردی بی‌آبروی بود (همان: ۸۰-۸۱). شاید در این تغییر منصب محافظ قلعه عباس‌آباد، همشیره نایب‌السلطنه که همسر محمدامین خان قاجار بود، نیز نقش داشته است. چون لابی احسان‌خان در دربار عباس‌میرزا، حاجی علی‌عسگر خواجه‌سرای حرمخانه نایب‌السلطنه بود و احتمال قوی این دو با همکاری هم نظر عباس‌میرزا را به این تغییر مجاب ساختند (همان: ۸۰). در کل جهانگیر میرزا علت خیانت احسان‌خان به حکومت قاجار را عداوت شخصی با یحیی خان تبریزی می‌داند که تحلیل صحیحی نیست.

به هر حال، این شاهزاده-مورخ قاجاری چندان از پشت پرده سازش احسان‌خان با روس‌ها و نقشه‌های آنان، علیه قلعه عباس-آباد و حکومت قاجار خبر نداشته است. به نظر می‌رسد که از مدت‌ها پیش، بین احسان‌خان و روس‌ها بر سر همکاری دوجانبه و اقدام مشترک علیه منافع حکومت قاجار در نهان گفتگوهای در جریان بوده است؛ چرا که ژنرال پاسکویچ به محض اطمینان از همکاری احسان‌خان، پس از چند روز دست از محاصره قلعه ایروان برداشته و عازم نخجوان می‌شود (همان: ۸۳). حتی خود جهانگیر میرزا در گزارش‌اش به این مسئله اذعان کرده و می‌نویسد: «ظاهراً چنین می‌نمود که این حرکت از ژنرال بسقویچ و دست از محاصره ایروان کشیدن به جهت نزدیک رسیدن اردوی نایب‌السلطنه و اردوی خاقان مظفر است... لیکن آنچه بعد معلوم و واضح شد آن بود که احسان‌خان کنگرلو که در قلعه عباس‌آباد بود و در خفیه معتمدین پیش ژنرال بسقویچ فرستاده او را به هر نوع که بود از خود مطمئن نموده و خود نیز از او مطمئن شده به گرفتن محمدامین‌خان و سپردن قلعه عباس‌آباد به دست لشکر روس وعده و امید داده است و ژنرال بسقویچ به این جهت عازم ولایت نخجوان شده است» (همان).

جالب است که مقامات قاجاری بعدها و پس از تسلیم قلعه عباس‌آباد به روس‌ها از خیانت احسان‌خان خبردار شدند؛ چون زمانی که قوای روسی به کناره‌های رود ارس و قلعه عباس‌آباد رسید، عباس‌میرزا طرح نقشه جنگی خود در نبرد گچلر را با محافظان قلعه عباس‌آباد و شخص احسان‌خان در جریان گذاشت. به قول جهانگیر میرزا: «به محمدامین‌خان و احسان‌خان که در قلعه عباس-آباد بودند کیفیت را معلوم نموده... و بعد از مستحضر شدن محمدامین‌خان و احسان‌خان از کیفیت واقعه، احسان‌خان نمک به حرام محض خیال و واهمه که ماده آن عداوت با یحیی خان بود کیفیت را به ژنرال بسقویچ اعلام» کرده بود (همان: ۸۹).

بدین‌گونه احسان‌خان با افشای طرح نظامی نایب‌السلطنه به ژنرال روسی، زمینه شکست قوای ایران را در جنگ گچلر (۱۲۴۳ق/۱۸۲۷م) رقم زد. متعاقب هزیمت قوای ایران در نبرد گچلر احسان‌خان، محمدامین‌خان را که مردی کم‌جرات بود به تحویل قلعه در مقابل امان جان راضی کرد. در عوض این خدمات، پاسکویچ سربازان کنگرلو را از نوکری اخراج کرد و احسان‌خان را مورد نوازش قرار داد و به حکومت نخجوان منصوب کرد (جهانگیر میرزا، ۱۳۸۴: ۹۲؛ خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۹۱۱/۳، ۶۵۰؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۳۷۵/۱؛ قرباغی، ۱۳۹۰: ۲۵۸-۲۵۹). حتی تزار روسیه با ارسال نشان حکومتی، قدردانی خود از همکاری احسان-خان با حکومت روسیه را ابراز کرد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۹۶-۱۹۷). شیخ‌علی بیگ برادر احسان‌خان که حاکم اردوباد بود

نیز قلعه نظاره اردوباد را به روس‌ها تسلیم کرد (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۶۵۲/۳؛ سپهر، ۱۳۵۳: ۳۷۵/۱). به زعم خاوری شیرازی احسان‌خان نیز همچون «پدر بدگهرش در ایام محمدخان قاجار خیانت نمود و کفر را براسلام ترجیح داد» (۱۳۸۰: ۶۵۰/۳). در این همکاری و سازش احسان‌خان با روس‌ها، عامل «کینه و عداوت کهنه» بین خانواده او با حکومت قاجار به حل سریع مسئله کمک زیادی کرد. چرا که قاجارها پیشتر کلبعلی‌خان پدرش را کور و حاکمیت نخجوان را نیز از ورثه او سلب کرده بودند. هدایت مورخ قاجاری نیز به درستی به این مسئله اذعان کرده و می‌افزاید «چون پدرش کلبعلی‌خان کنگرلو درغایت خیانت در دست خاقان شهید [آقامحمدخان قاجار] به کحل عمی مکحول شده بود این خلف‌الصدق به مکافات آن کینه چنین خیانتی عظیم را روا داشت» (۱۳۸۰: ۷۸۵۷/۹).

البته احسان‌خان پیشتر اعتراض خود به سیاست حکومت قاجار در مهار نفوذ و اقتدار خانواده کلبعلی‌خان و محدود شدن تدریجی دامنه نفوذ و اختیارات‌اش را با رفتارهایش نشان داده بود. حتی یک بار این ناخرسندی خود را در وصول مالیات دیوانی نخجوان نشان داد که با واکنش عباس میرزا مواجه شد (کنگرلو نخجوانی، [بی‌تا]: ۱۰۴-۱۰۵). دخل و تصرف مأموران دولتی و دیوانی در محدوده نفوذ و اقتدار سنتی خاندان کنگرلو و تأکید فرامین حکومتی دال برهمکاری و اطاعت او از آنان، از دیگر عواملی بود که به رویگردانی احسان‌خان از حکومت ایران منتهی شد (همان: ۱۰۵-۱۰۹).

نتیجه‌گیری

احسان‌خان از امرای سرشناس خاندان کنگرلو مدارج ترقی در حکومت قاجار را با اخذ لقب خانی و خطاب عالیجاهی طی کرد و به جرگه نخبگان سیاسی و نظامی دربار قاجار راه یافت. در ادامه‌ی حکومت قاجاریه برای حفظ و حراست از مرزهای قریباغ و رود ارس او را، به سبب آشنایی با جغرافیای این نواحی، به منصب سرهنگی فوج سربازان کنگرلو به سرحداری این نواحی گماشت. لیکن این روابط و همکاری احسان‌خان با حکومت قاجاریه به علت عدم ایفای نقش در حکمرانی ولایت نخجوان و دخل و تصرف مأموران اداری و دیوانی در حوزه وظایف و اختیارات‌اش، به تنگ تر شدن دایره اقتدار و اختیارات سنتی او انجامید. افزون بر این، عداوت و کینه شخصی از قاجاریه به علت کور کردن پدرش به تدریج زمینه گسست از مدار ایران‌گرایی را فراهم کرد. در مقابل، روس‌ها با تغییر فرماندهی قفقاز و با هدف جلب نخبگان محلی مسلمان وعده‌هایی مبنی بر احیای اقتدار و امتیازهای سنتی به خاندان‌های محلی سابق را در رأس برنامه‌های خود قرار دادند. در کنار این، پاسکویچ فرمانده روسی با پی بردن به اهمیت سوق-الجیشی نخجوان و قلعه عباس‌آباد در جنگ دوم ایران و روس، ارتباط پنهانی با احسان‌خان برقرار کرد و با وعده احیای امتیازهای سیاسی و مالی پیشین و شوکت خاندان کنگرلو، او را به همکاری با حکومت روسیه جذب کرد. مهمترین پیامد همکاری احسان-خان با روس‌ها، سقوط قلعه کلیدی عباس‌آباد و نخجوان و به تبع آن ایجاد زمینه شکست ایران در جنگ دوم بود.



فرمان فتحعلی شاه بر لقب خانی و خطاب عالیجاهی به احسان خان کنگرلو



رقم عباس میرزا مبنی بر تعیین رتبه سرهنگی فوج نظام کنگرلو نخبجویی به احسان خان



رقم عباس میرزا به احسان خان برای کمک به حسن خان کرالی محافظ مفری قباغ



رقم عباس میرزا به یحیی بیگ تبریزی حاکم اردوباد و احسان خان کنگرلو برای کمک به محافظت از مفری



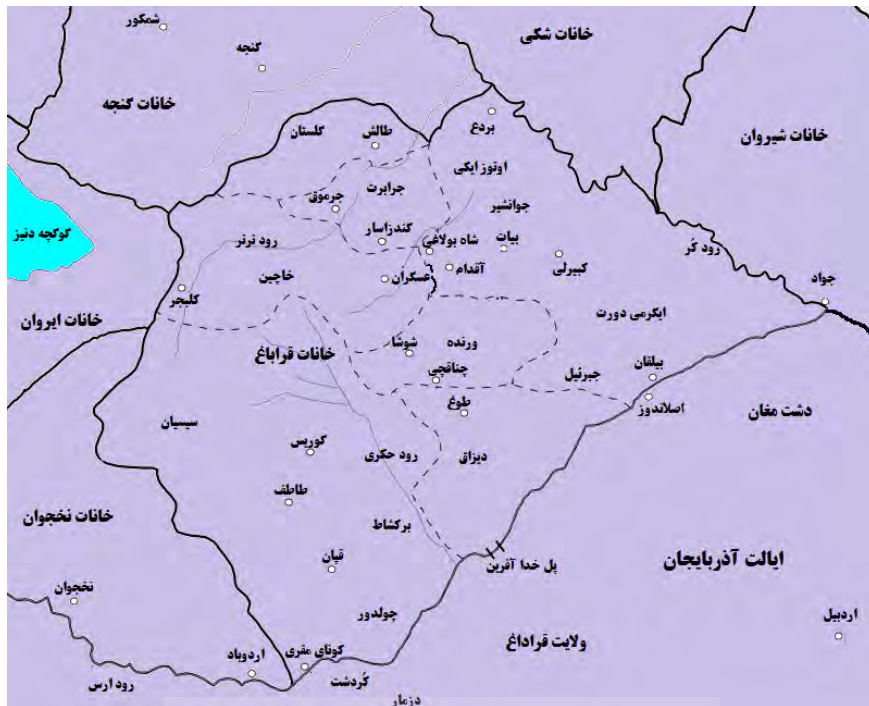
نقشه یک:

محدوده جغرافیای تاریخی ولایت نخجوان



نقشه دو:

نظام اداری و دیوانی ولایت نخجوان براساس دفاتر تحریر عثمانی (۱۷۲۷/۱۱۴۰م)



نظام اداری و دیوانی خانات قرا باغ

- اخفا علیزاده، حسن (۱۴۰۱). تاریخ شهر شوشی، ترجمه سجاد حسینی، تهران: فراز آگاه.
- اسنادی از روابط ایران و روسیه (از صفویه تا قاجاریه) (۱۳۸۷). ترجمه رحیم مسلمانیان قبادیانی و بهروز مسلمانیان قبادیانی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- اعتضادالسلطنه، علیقلی میرزا (۱۳۷۰). اکسیرالتواریخ، تصحیح جمشید کیانفر، تهران: مؤسسه انتشارات ویسمن.
- باکیخانوف، عباسقلی آقا (۱۳۸۳). گلستان ارم، تصحیح عبدالکریم علیزاده، تهران: ققنوس.
- تاریخ قزلباشان (۱۳۶۱). تصحیح میروهاشم محدث، تهران: بهنام.
- ترکمان، اسکندربیگ منشی (۱۳۸۳). تاریخ عالم‌آرای عباسی، تصحیح ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.
- جعفرنیا، فاطمه و عزیزنژاد، محمد (بهار ۱۴۰۳). «نقش و جایگاه کلبعلی خان کنگرلو نخجوانی در جنگ‌های دوره اول ایران و روس در قفقاز»، فصلنامه مطالعات تاریخ اسلام، سال ۱۶، شماره ۶۰، صفحات ۸۳-۱۰۸.
- جعفرنیا، فاطمه و عزیزنژاد، محمد (بهار و تابستان ۱۴۰۰). «مناسبات ابراهیم خلیل خان جوانشیر قرباغی با حکومت قاجاریه»، پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران، سال نهم، شماره دوم، پیاپی ۱۸، صفحات ۱۰۷-۱۲۶.
- جعفرنیا، فاطمه و عزیزنژاد، محمد (تابستان ۱۴۰۱). «سیاست کلبعلی خان کنگرلو نخجوانی در قبال حکومت آقامحمدخان قاجار (ازهم‌گرایی تا واگرایی)»، فصلنامه علمی پژوهش‌های تاریخی، سال ۵۸، دوره جدید، سال ۱۴، شمار دوم (پیاپی ۵۴)، صفحات ۱-۱۹.
- جوانشیر قرباغی، میرزا جمال (۱۳۸۴). تاریخ قرباغ، تصحیح حسین احمدی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- جهانگیر میرزا (۱۳۸۴). تاریخ نو، تصحیح عباس اقبال، تهران: علم.

- خاوری شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰). *تاریخ ذوالقرنین*، تصحیح ناصر افشار تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- دروویل، گاسپار (۱۳۴۸). *سفرنامه دروویل*، ترجمه جواد محبی، تهران: کتب ایران
- دنبلی، عبدالرزاق بیگ (۱۳۸۹). *مآثرسلطانیه*، تصحیح غلامحسین زرگری‌نژاد، تهران: روزنامه ایران.
- کاتب چلبی، حاجی خلیفه (۱۳۹۱). *جهان‌نما (بخش ایران و قفقاز)*، ترجمه و تصحیح دکتر سید مهدی جوادی قوزلو، اردبیل: انتشارات محقق اردبیلی.
- گاردان، کنت آلفرد (۱۳۶۲). *مأموریت ژنرال گاردان در ایران*، ترجمه عباس اقبال، تهران: نگاه.
- رافی (هاکوپ ملیک هاکوپیان) (۱۳۹۵). *ملوک خمسه*، ترجمه آرا دراستپانیان، تهران: شیرازه.
- رونوشت‌های نامه‌های عباس میرزا ولیعهد. نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۳۶۵۷.
- سپهر، میرزا محمدتقی خان (۱۳۵۳). *ناسخ‌التواریخ*، تصحیح محمدباقر بهبودی، تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- عزیزنژاد، محمد و دهقانی، رضا (زمستان ۱۳۹۴ - بهار ۱۳۹۵)، «نقش و مواضع محمدخان قاجار ابروانی در نخستین جنگ‌های ابروان و روسیه»، *تاریخ ایران*، شماره ۱۹ (۷۷/۵)، صفحات ۱۸۷-۲۱۳.
- *فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان پیرامون تاریخ ایران (۱۳۸۱)*. به کوشش الکساندر چولوخادزه، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- *فهرست اسناد آرشیوهای گرجستان درباره تاریخ ایران (۱۳۸۴)*. به کوشش گودرز رشتیانی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- قرباباغی، میرزا یوسف (۱۳۹۰). *تاریخ صافی*، تصحیح حسین احمدی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- کنگرلو نخجوانی، میرزا علی بیگ منشی، *سواد و فرامین سلاطین و امراء و حکام نادرشاه، سلطان حسین صفوی، کریم‌خان زند، فتح‌علی‌شاه، عباس میرزا و عده‌ای از امراء و حکام قاجار*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۳۳۱.
- مستوفی قزوینی، حمدالله. *نزهة القلوب*، نسخه خطی، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۱۳۰.
- مستوفی انصاری، حاجی میرزا مسعود (۱۳۴۹). *تاریخ زندگی عباس میرزا نایب‌السلطنه*، تصحیح محمد گلبن، تهران: کتابخانه مستوفی.
- مهندس‌باشی تبریزی، میرزا رضا (۱۳۹۰). *سرحداث تالش و مغان*، تصحیح حسین احمدی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- نصیری اردوبادی، میرزا علی نقی (۱۳۷۱). *القاب و مواجب دورة سلاطین صفویه*، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی.
- هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰). *روضة‌الصفای ناصری*، تصحیح جمشید کیان‌فر، تهران: اساطیر.
- (AKAk) *Akty sabrannye Kavkazskoiu Arkheograficheskoiu Kommissieiu (1866-1904)*. 3 vols, Tbilisi.
- Baddeley, Johan (1908). *The Russian conquest of the Caucasus*, London: Longmans.

- Bournoutian, George(1998). *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889*, a documentary record, vol. II, Mazda Publishers.
- Budaqova, Sahibə (2014), *Naxçıvan diyarının siyasi tarixi*, Bakı: Elm və Təhsil.
- Əliyev, Fuad və Mirabdulla Əliyev (1996), *Naxçıvan Xanlığı*, Bakı: Şərq-Qərb.
- Leviatov.V.N(2006). *Mirzə Adigözəl bəyin Tərcüme-yi-Halina Aid Materialları*, Qarabağna- mələr, tərtib edən Akif Fərzəliyev, Bakı: Şərq-qərb.
- Mirzə Adigözəl bəy(2006). *Qarabağnamə*, tərtib edən Akif Fərzəliyev, Bakı: Şərq-qərb.
- Monteith Lieut-Genral.W(1856). *Kars and Erzeroum*, London.
- *Naxçıvan Sancağının müfəssəl dəftəri*(2001).Tercümə edən: Hüsəməddin Məmmədov, Bakı: Elm.
- Quliyev, Musa (2013), *Naxçıvan xanlığının Qafqazda hərbi-siyasi mövqeyi və əlaqələri*, Naxçıvan: Əcəmi Nəşriyyat.
- Quliyev, Musa(2010). General-Mayor Ehsan Xan Naxçıvanski (Kəngərli) və General-Feldmarşal İvan Paskeviçin Münasibətlərində Naxçıvan Xanlığının tarixinə dair bəzi qeydlər, *Tarix və onun problemləri*, No 2.pp. 62-67.
- Şahverdiyev, Zəhmət (2008), *Naxçıvan bölgəsi XIX-XX əsrin əvvəllərində*, Bakı: Elm.
- Shopen, I(1852). *Istoricheskiy pamyatnik sostoyaniya armyanskoy oblasti v epokhu yeyo soyedineniya k Rossiyskoy imperii*, Sankt Peterburg.
- Xəzani, Mir Mehdi(2006). *Kitabi Tarixi Qarabağ*, tərtib edən Akif Fərzəliyev, Bakı Şərq-qərb.

